

ضرورت شمول نظام آموزشی ترویج بر زنان روستایی

مهندس محمدرضا محبوبی

(کارشناس ارشد وزارت جهادسازندگی)



ترویج مکتبی آموزشی است که در جهت عرضه اطلاعات سودمند به اعضای جوامع، شکل گرفته و هدف بنیادین آن ایجاد تغییر در دانش، بینش و مهارت‌های افراد است، به گونه‌ای که بتوانند سطح زندگی خود را بهبود بخشند و بر درآمد خود بیافزایند. بدیهی است در این مکتب، مخاطبان را هم زنان و هم مردان تشکیل می‌دهند و نظام آموزشی ترویج با توجه به ماهیت و فلسفه وجودی خود به قشر یا گروه خاصی تعلق ندارد. با این حال شواهد موجود حاکی از آن است که این مکتب آموزشی، تاکنون توجه کمتری به زنان نشان داده است. در حالی که زنان بیش از ۵۰ درصد جمعیت جوامع بشری را تشکیل می‌دهند و در مناطق شهری و روستائی نقش‌های گوناگون تولیدی و خدماتی برعهده دارند.

زنان روستایی به عنوان گروهی از مخاطبان اصلی برنامه‌های آموزشی ترویج، بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در نقاط روستائی هستند که در تولید محصولات گوناگون زراعی، دامی، صنایع دستی و

تبدیلی، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، نقش اساسی کلیدی را بازی می‌کنند. علاوه بر این آنان تربیت کنندگان نسل‌های آینده مناطق روستائی هستند که در بسیاری از تصمیم‌گیریهای مهم خانوادگی نقش دارند و در نهایت اعضای مؤثری در روند توسعه روستائی شمرده می‌شوند. براین اساس زنان روستائی باید از جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزشی ترویج برخوردار باشند. این نوشتار با هدف شناسائی جایگاه زنان روستائی در نظام آموزشی ترویج، استحقاق آنان را جهت بهره‌مند شدن از آموزشهای ترویجی از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار داده است.

۱ - دیدگاه نظری و تجربیات عملی ترویج در مورد زنان:

مکتب ترویج به عنوان زمینه‌ای مبتنی بر یک نظام آموزشی خاص برای اشاعه علوم و فنون در سطحی وسیع از جامعه نضج گرفته و تحول یافته است. ترویج را نوعی آموزش دانسته‌اند که هدف آن یاری مردم روستایی است تا از طریق کوششهای فردی و دسته جمعی، موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را بطور مداوم بهبود بخشند. ترویج دانستیهای علمی و واقعی را در دسترس روستائیان قرار می‌دهد و امکان آموزش و راهنمایی را در به کارگیری آن اطلاعات در حل مسائل مربوط به کشاورزی و زندگی روستایی فراهم می‌آورد.

با توجه به تعریف ارائه شده، ترویج می‌کوشد در معلومات، مهارتها و گرایشهای افراد دگرگونی ایجاد کند و مسلم است در این روند مخاطبان برنامه‌های ترویج تنها مردان نخواهند بود، بلکه زنان نیز از مخاطبان اصلی برنامه‌های ترویج هستند. دیدگاه ترویج در مورد توجه به زنان، همپای مردان، بر اساس اصول روانشناختی است که ترویج خود را ملزم به رعایت آن می‌بیند. از جمله اینکه:

- زنان همانند مردان خواهان داشتن سلامت، فرصت، ثروت، حسن روابط و آسایش هستند.

- زنان همانند مردان می‌خواهند افرادی اجتماعی، مطلع، خلاق، صاحب نفوذ و

کارآمد باشند.

- زنان همانند مردان می‌خواهند شخصیت خود را نشان دهند، حس کنجکاوی خود را ارضاء کنند و عاطفه و مهر و محبت دیگران را به خود جلب کنند.

- زنان همانند مردان خواهان صرفه‌جویی در وقت، منابع مالی، کاستن از ناراحتیها، اندوه، شک و تردید هستند.

- بالاخره اینکه زنان خواهان فرصتهایی برابر با مردان جهت ارتقای سطح معلومات، آگاهیها و مهارتهای خود هستند تا زندگی بهتری برای خود و خانواده خویش فراهم آورند.

در عمل از گذشته‌های دور تاکنون به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نظام آموزشی ترویج به زنان روستائی توجه کمتری معطوف داشته است. تاکنون اکثر فعالیتهای ترویجی به وسیلهٔ مروجین مرد و برای کشاورزان مرد و در مزارع بزرگ که امکانات خوبی برای اجرای توصیه‌های فنی و افزایش بازدهی تولید دارند اجراء شده است. هنوز استعداد زنان در تولید کشاورزی جدی گرفته نشده است. و برای آنان به عنوان تولیدکنندگان محصولات و تبدیل‌کنندگان فرآورده‌های کشاورزی خدمات چندانی از طرف ترویج صورت نگرفته است. در اکثر جوامع رفتار نابرابر نسبت به زنان دلالت بر این دارد که زنان نقشی کم اهمیت و سطح پائینی در اجتماع دارند. در مواردی که برای بهبود وضعیت زنان طرحهایی تهیه می‌شود اغلب آنان را به عنوان تولید مثل‌کننده و پرورش دهندهٔ کودکان (در بهداشت، تغذیه و خانه‌داری) می‌انگارند و جنبهٔ تولیدکنندگی و کارآئی آنان در تولید کشاورزی را در نظر نمی‌گیرند. گلدج (P. Goldeg) معتقد است مشکل زنان از دو جهت است: یکی بطور عمومی کمبود خدمات ترویجی به آنان و دیگری کم توجهی به سایر نیازهای آنان به عنوان کشاورزان، تولیدکنندگان روستائی و تبدیل‌کنندگان محصولات کشاورزی. ممکن است هر دو قشر مرد و زن روستائی نیاز به خدمات ترویجی داشته باشند، لیکن روش کار و طرحهای پیشنهادی توسعهٔ کشاورزی باید با روابط بین اعضای

خانواده و علائق آنها سازگار باشد. توجه نکردن آمارگیران و طراحان برنامه‌های توسعه به نقش و فعالیت زنان روستائی در اقتصاد کشور، ضربه زیادی به منافع ملی اینگونه کشورها می‌زند.^(۱) گرچه در سالهای اخیر آگاهی مجریان نسبت به نقش تولیدی زنان در کشاورزی و صنایع تبدیلی و لزوم اجرای پروژه‌هایی برای ارائه خدمات به آنان افزایش پیدا کرده ولی در عمل و در دستورالعملهای مربوطه، تغییر مهمی مشاهده نشده است.

بدین ترتیب نظام آموزشی ترویج می‌باید در وهله اول شناخت کلی نسبت به جایگاه زنان در اقتصاد جامعه روستائی و نیازهای آنان داشته باشد و سپس در نتیجه این شناخت انتظار می‌رود که برنامه‌ریزی برای این گروه با دیدی واقع بینانه‌تر صورت گیرد.

۲ - لزوم توجه به زنان روستائی در نظام آموزشی ترویج:

علی‌رغم نقش عمده‌ای که زنان کشاورز در تولید محصولات بخش کشاورزی به عهده دارند، کمتر از خدمات آموزشی ترویج بهره‌مند شده‌اند. ولی به دلایل گوناگون لازم است برنامه‌هایی برای این گروه تدارک دیده شود. برخی از مهمترین دلایل این امر عبارتند از:

۲ - ۱ - زنان روستائی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی:

یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهند که زنان بخش مهمی از کشاورزان کوچک و کارگران کشاورزی در جهان سوم را تشکیل می‌دهند. خدمات تولیدی آنان تنها به مناطق روستایی خلاصه نمی‌شود، بلکه بخشی از جمعیت زنان در کارخانه‌ها و کارگاههای تولیدی نزدیک شهرها به فعالیت مشغول هستند.

براساس آمارهای موجود، زنان حدود $\frac{1}{3}$ نیروی فعال کشاورزی در مجموع کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند و بررسیهای انجام شده در ۳۲ کشور نشان می‌دهد که زنان بخش عمده‌ای از نیروی کار این جوامع هستند. (جدول ۱)

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی

جدول (۱) ترکیب جنسی نیروی کارگری کشاورزی در ۳۲ کشور، برحسب مناطق جغرافیایی

مناطق جغرافیایی	تعداد کشورها	درصد زنان کارگر کشاورزی نسبت به کل نیروی کارگر کشاورزی
مناطق نیمه صحرائی آفریقا	۱۱	۴۷/۲
شمال آفریقا و خاورمیانه	۶	۲۵/۲
جنوب و جنوب شرقی آسیا	۵	۴۰/۲
آمریکای مرکزی و جنوبی	۸	۱۹
نواحی کارائیب	۲	۵۴
کل کشورها	۳۲	۳۵/۶

در کشور ما سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی ۴۰ درصد برآورد شده است. لازم است ذکر شود این رقم بدون احتساب فعالیتهای مربوط به خانه‌داری است که در مناطق روستائی برخی امور چون صنایع دستی و تبدیلی و ... را دربر می‌گیرد و گرچه جنبه تولیدی دارد ولی ارزش‌گذاری نمی‌شود.

۲ - ۲ - زنان روستائی پرورش دهندگان مولدین آینده:

زنان روستائی و عشایری پرورش دهندگان نسلهای مولد آینده هستند. صدها نفر دختر و پسری که در مناطق روستائی و عشایری زندگی می‌کنند ظرفیتهای بالقوه و توانمندی را در ادامه روند تولید محصولات غذایی دارند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فرصتهای موجود برای آموزش رسمی و فنی روستازادگان و بویژه دختران بسیار محدود است. با توجه به اینکه فرزندان روستائی و عشایر در دامان مادران خود پرورش می‌یابند، لازم است در درجه اول این مادران از سطح بالائی از معلومات و آگاهیها بهره‌مند گردند. مسلماً مادری که روش بهتر تولید یک محصول را طی کلاسهای آموزشی فرا گرفته، می‌تواند به خوبی آن را به دختر خود نیز انتقال دهد و وی را فردی مفید و مؤثر به حال خانواده و جامعه بسازد. از این نظر نظام آموزشی ترویج می‌باید توجه ویژه‌ای به آنها مبذول دارد.

۲ - ۳ - زنان روستائی مؤثر در تصمیم‌گیرهای خانواده:

فعالیت زنان به عنوان نهاده‌ای در تصمیم‌گیرهای کشاورزی، اساسی به نظر می‌رسد. مطالعات موردی تجربی در آمریکای جنوبی، آفریقا، و هندوستان مبین آن است که میزان نهادهٔ مزبور در مناطق مختلف جغرافیائی کشت و در رابطه با اندازه واحد بهره‌برداری متفاوت است. این مطالعات نتیجه داده است که در مسائلی چون کاربرد برخی نهاده‌های نوین و عضویت در شرکت‌های تعاونی، زنان بر مردان خود تأثیر می‌گذارند. آمار سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که زنان سرپرستی بالغ بر $\frac{1}{3}$ خانوارهای روستائی را در کشورهای در حال توسعه برعهده دارند و در نقاطی که اساساً این نوع خانوارها کشاورز هستند، نقش کلی زنان در تصمیم‌گیرها و تولید بسیار در خور ملاحظه می‌باشد. (۳)

علاوه بر تصمیم‌گیری در امور تولیدی، در امور مربوط به تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، مهاجرت یا ادامهٔ زندگی در مناطق روستائی، آیندهٔ فرزندان (از نظر تحصیل، اشتغال و ازدواج) نقش زنان بخوبی مشهود است. بنابراین برای نظام آموزشی ترویج بسیار مهم خواهد بود که زنان با ارتقاء سطح آگاهی خود در مواردی چون کشت محصول، مصرف دام، فروش محصول و مواردی از این قبیل تصمیمات درستی اتخاذ کنند.

۲ - ۴ - جایگاه حقوقی زنان روستائی:

اعلام یک دهه از سوی سازمان ملل متحد بعنوان «دههٔ زن» را می‌توان بالاترین تصمیم برای ترغیب و تشویق دولتها در راستای وضع قوانینی به منظور بهبود موقعیت زنان به شمار آورد. موارد مهم مورد تأکید دربارهٔ زنان کشورهای در حال توسعه شامل موارد مندرج در قانون اساسی (اصول برابری، حقوق مدنی و حقوق سیاسی)، موارد اقتصادی (اعتبارات، مالکیت، اموال، دارائی و ارث)، موارد مربوط به قانون کار (دستمزد، فرصتهای اشتغال)، روابط خانوادگی (ازدواج، طلاق، زاد و زایش) مراقبتهای

بهداشتی (حقوق بهداشتی و تنظیم خانواده) و مواردی از این قبیل می‌باشد، تأکید گردیده که اصلاح قوانین مربوط به زمین و دسترسی به اعتبارات و آموزش می‌تواند در تعیین نقش زنان در توسعه روستائی، تأثیری بسزا داشته باشد. آموزشهای ترویجی در حقیقت باید فراهم‌کننده فرصتهائی برای زنان روستائی باشند تا همپای مردان از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند، به اعتبارات مورد نیاز دست یابند، با مشاغل جدید آشنا شوند و در نهایت جایگاه حقوقی خود را بیش از پیش بشناسند.

۲ - ۵ - زنان روستائی، مدیران داخل منزل:

نقش زنان روستائی تنها به فعالیتهای مرتبط با محیط مزرعه محدود نمی‌شود، بلکه آنان عهده‌دار وظایف متنوعی در درون منزل هستند که فعالیتهائی نظیر پرورش کودک، سبزیکاری، مرغداری، تهیه لبنیات، و بهبود تغذیه خانوار همراه با کارهای دستی و نظافت منزل از آن جمله‌اند. از آنجا که هدف ترویج نشر نوآوریهای سودمند برای خانوارهای روستائی است. این نظام آموزشی از مدتها قبل فعالیتهائی را تحت عنوان «ترویج خانه‌داری» یا «اقتصاد خانوار» آغاز کرده است. هدف از این فعالیتهای رسیدگی به اعضای خانواده، مخصوصاً زنان و دختران روستائی است، به گونه‌ای که آنها شیوه زندگی خود را با پیشرفتهای موجود، هماهنگ کنند و از امکانات و منابع موجود در زندگی خود استفاده مطلوب برند.

۲ - ۶ - زنان روستائی اعضای مؤثر در روند توسعه روستائی:

توسعه روستائی یک مفهوم جامع و چند بعدی است که دربرگیرنده رشد کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنای اقتصادی - اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستائی است.

استراتژیهای توسعه روستائی بر هفت هدف مشخص بنا نهاده شده‌اند که عبارتند از: رشد تولیدات کشاورزی، استفاده بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه سرمایه، ایجاد فرصتهای شغلی، توزیع

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی

مجدد درآمد، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستائی در تمشیت امور در جامعه زنان روستائی با توجه به نقش و مسئولیت‌هایی که در محیط مزرعه و منزل دارند عهده‌دار وظایف تولیدی و خدماتی می‌باشند، که در نیل به توسعه روستائی بسیار مؤثر است. بنابراین نظام آموزشی ترویج می‌باید با فراهم کردن فرصتهای آموزشی زمینه آشنائی زنان روستائی با روشهای نوین تولید محصولات کشاورزی، چگونگی استفاده صحیح از منابع کمیاب، نظیر آب زراعی، سوخت، بکارگیری درست وام و اعتبارات را فراهم آورد، و مشارکت فعال آنها در تشکلهای جامعه روستائی همگی تضمین کننده حضور زنان روستائی در فرآیند توسعه روستایی است.

نتیجه‌گیری:

زنان روستائی که می‌بایست از گروه مخاطبان اصلی برنامه‌های آموزشی - ترویجی باشند، مورد توجه قرار نگرفته و در واقع فراموش شده‌اند. یکی از دلایل این امر نداشتن شناخت برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های آموزشی - ترویجی از جایگاه واقعی زنان روستائی در روند توسعه است، به گونه‌ای که اکثراً زنان روستائی را بعنوان اعضائی که فقط وظیفه خانه‌داری و پرورش کودکان را به عهده دارند نگریسته‌اند و کمتر به نقش آنها در تولید توجه داشته‌اند. این در حالی است که دست اندرکاران نظام آموزشی ترویج لازم است بیش از پیش نسبت به نقش و اهمیت زنان روستایی در تولیدات کشاورزی وقوف داشته و حساس باشند تا بیش از این قشر مزبور مورد غفلت واقع نشود. برخی از اقداماتی که نظام آموزشی ترویج در راستای توجه هرچه بیشتر به این قشر می‌تواند انجام دهد شامل موارد زیر است:

- وقتی که گروههای عمده اقتصادی - اجتماعی کشاورزان در هر یک از مناطق کشاورزی «هدف مشخص می‌شوند» باید نوع و میزان نقش زن در تولیدات کشاورزی آن نقاط به وضوح مشخص شود. در این جریان باید مسایل تولیدی و نیازهای آنان به تکنولوژی را به روشنی مشخص کرد و کاملاً به آنان فرصت داد تا

در تدوین هدفهای ترویجی در منطقه مشارکت کنند.

- هنگام سازماندهی فعالیتهای ترویجی، مسئولان خدمات ترویجی باید به تفاوت جنسیت کشاورزان از خود حساسیت لازم را نشان دهند، به نحوی که کشاورزان «زن» ضمن دسترسی کامل به جلسات و نمایشها و سایر فعالیتهای ترویجی بتوانند تولید و درآمد خویش را افزایش دهند. در برخی موارد ممکن است این امر مستلزم برگزاری جلسات جداگانه با آنان باشد.

- شبکه‌های ارتباطی غیر رسمی، برای هریک از دو جنس مرد و زن وجود دارند، بنابراین نظام آموزشی ترویج می‌باید چگونگی استفاده کارآمدتر از این شبکه‌های سنتی را به منظور نشر اطلاعات و تکنولوژی در میان کشاورزان زن دربرگیرد.

- در بعضی موارد ممکن است با بررسی‌های انجام شده علمی، ضرورت یابد تا زنان در گروههای موجود حضور فعالی یابند و یا احتمالاً در گروههای جدید متشکل شوند تا بدان وسیله دسترسی آنها به منابع اعتباری، نهادها و حتی خدمات بازاریابی محصول افزایش یابد. در این گونه موارد، برای آنکه آنان بتوانند گروههای فوق را به نحو مؤثری سازماندهی و اداره کنند باید راه و رسم رهبری و مدیریت به زنان کشاورز آموزش داده شود.

- در طراحی برنامه‌های ترویجی برای زنان روستائی، لازم است به نقش چندگانه آنها در منزل و مزرعه توجه کافی مبذول شود، چراکه آنان در محیط منزل نیز علاوه بر پرورش کودکان، عهده‌دار وظایف تولیدی گوناگون هستند. اشتغال به صنایع دستی و تبدیلی خانگی، پرورش طیور پرورش گل و غیره از آن جمله‌اند. آموزش زنان و دختران روستائی در قالب «برنامه‌های ترویج خانه‌داری» با تأکید

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی

بر نقشها و وظایف تربیتی، تولیدی و خدماتی داخل منزل می‌تواند آثار مفیدی در مناطق روستائی برجای گذارد.

- تربیت مروجان زن و استفاده از همکاری سایر مراکز خدمات رسانی به زنان روستائی گام مؤثری در راه ارائه هرچه بهتر خدمات آموزشی و ترویج برای زنان روستائی تلقی می‌شود که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

بطور کلی برنامه‌های آموزشی زنان روستائی باید با شناخت کامل از جایگاه آنان در نظام آموزشی ترویج باشد و همواره این اعتقاد در برنامه‌ریزان وجود داشته باشد که زنان روستائی در کنار مردان اعضای مؤثری جهت نیل به توسعه روستائی شمرده می‌شوند.



اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

منابع:

- (۱) تانیر، ا.ا.اس.؛ گراول، آی. اس. مقدمه‌ای بر آموزش و ترویج. ترجمه سبیروس سلمانزاده. اهواز: دانشگاه شهید چمران. ۱۳۶۷.
- (۲) سوان سون، برتون (ویواستر). مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی، احمد حجاران. تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- (۳) شهبازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستائی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- (۴) سازمان خواروبار کشاورزی جهان. یادگیری و زندگی. ترجمه غلامحسین صالح نسب. تهران: وزارت جهاد سازندگی، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۱۳۶۹.
- (۵) محبوی، محمدرضا. فرآیند برنامه‌ریزی در اقتصاد خانه، با تأکید بر شیوه‌های مناسب تولید و مصرف: مقاله ارائه شده به ستاد بزرگداشت دهه فجر. تهران: وزارت جهاد سازندگی، کمیته روستائی و عشایری، ۱۳۷۳.

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

پانویس

- (۱) پی. گلدج، «جایگاه زن در ترویج کشاورزی»، ترجمه اکبر میری. بولتن مروج، ۱۳۶۷.